فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۳۱ - ۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۴۰۱

بررسی نقش استعمار در شکل‌گیری گروه بوکوحرام از منظر نظریه محرومیت نسبی[1] تدرابرت‌گر

محمدرضا دهشیری [2]
دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده وزارت امور خارجه (نویسنده مسئول)
سید احمدرضا فیاضی [3]
دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشکده وزارت امور خارجه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۸ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۵**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

بروز پدیده‌ای تحت عنوان بو کو حرام از سال ۲۰۰۲ سبب شده است که گزارش شاخص تروریسم جهانی (GTI) در سال ۲۰۱۶ نیجریه را به‌عنوان سومین کشور با بیشترین حملات تروریستی اعلام کند. نکته قابل‌توجه آن است که هدف‌های عملیاتی بو کو حرام بیشتر غیرنظامیان بوده‌اند که مایه نگرانی‌های زیادی در سطح محلی و بین‌المللی شده است. موسسه صلح و علوم اقتصادی، گروه شبه‌نظامی بو کو حرام را در سال ۲۰۱۴ به‌عنوان مرگبارترین گروه تروریستی در جهان اعلام کرده است. در خصوص شکل‌گیری گروه بوکوحرام در نیجریه و دلایل آن نظرات مختلفی مطرح‌شده است، به اذعان بسیاری از تحلیل گران ارتباطی جدی بین اقدامات تروریستی و سطح نارضایتی‌ها و نابرابری‌ها در جوامع توسعه‌نیافته وجود دارد. مسلمانان در نیجریه دارای پیشینه‌ای باسابقه‌ای بوده‌اند و در حدود یک‌صد سال دارای حکومت اسلامی سکوتو در مناطق شمالی نیجریه بودند ولی دولت استعمارگر انگلیس در سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۳ با استعمار نیجریه به این حکومت پایان داد. پس از استقلال نیجریه دولت حاکم، دولتی سکولار بوده و اکثر قوانین آن برگرفته از قوانین انگلیس است. به نظر می‌رسد نارضایتی مسلمانان و گروه‌های افراطی بوکوحرام ریشه در شرایط تبعیض‌آمیز و محرومیت مسلمان دارد، هدف اصلی در تحقیق حاضر بررسی علل و دلایل شکل‌گیری پدیده بو کو حرام و انگیزه‌های اصلی خشونت‌های شکل‌گرفته از سوی این گروه است، روش تحقیق در این مقاله به‌صورت توصیفی- تحلیلی است و این پژوهش به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از نظریه محرومیت نسبی نقش استعمار در ایجاد محرومیت نسبی ناشی از تفاوت انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و توانایی‌های ارزشی (داشته‌ها) جامعه مسلمان را بررسی کند.

واژه‌های کلیدی: بوکوحرام، محرومیت نسبی، نیجریه، استعمار، تروریسم

1. Relative deprivation
2. mohammadreza_dehshiri@yahoo.com
3. fayazi.ahmadreza@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

مقدمه

بروز پدیده‌ای تحت عنوان بوکوحرام در برنو ایالت شمالی مسلمان‌نشین نیجریه از سال ۲۰۰۲ در حالی آغاز گردید که طبق آمار بیش از ۷۲ درصد از مردم در فقر کامل به سر برده، ۵۵ درصد جوانان بیکار و تنها ۱۷ درصد از جوانان باسواد هستند. کشور نیجریه با ۱۷۰ میلیون جمعیت در سال ۲۰۱٦ بیش از ۱۲۲ میلیون (۷۲ درصد) فقیر دارد و این روند با افزایش مواجه شده است به‌گونه‌ای که سال ۲۰۱۵ این آمار ٦۰ درصد بوده است(Eke, 2016: 5). 50 درصد جمعیت نیجریه مسلمان و ٤۰ درصد مسیحی هستند، مسلمانان عمدتاً ساکن ایالت‌های شمالی و مسیحیان ساکن ایالت‌های جنوبی هستند (Williams & Shenley, 2012: 2). این در حالی است که ایالت‌های شمالی به‌مراتب دچار فقر و محرومیت بیشتری هستند و میزان بیکاری، بی‌سوادی، فقر، سوءتغذیه و مرگ نوزادان بیشتر از جنوب است. به‌عنوان‌مثال ایالت شمالی جیگاوا با ۸۸.۵ درصد و ایالت سوکوتو با ۸٦ درصد زیرخط فقر مطلق بیشترین آمار را فقر رادارند؛ همچنین در ایالت سوکوتو تنها ۱.٤ درصد از کودکان ۱۲ تا ۲۳ سال واکسیناسیون دریافت می‌کنند. بر طبق آمار یونسکو بیش از ۱۰.۵ میلیون کودک در نیجریه محروم از تحصیل در مدارس ابتدایی هستند. به نظر می‌رسد لازمه ریشه‌یابی و تحلیلی عمیق از دلایل شکل‌گیری گروهای تروریستی همچون بوکوحرام و سطح زیادی از نارضایتی‌های جمعیت مسلمان این کشور که توسط دولتی سکولار مدیریت می‌شوند، آن است که به بررسی جنبه‌های تاریخی این موضوع بپردازیم. نیجریه به‌عنوان کشوری استراتژیک و پر جمعت در آفریقا از سده ۱۷ میلادی با ورود کاشفان دریانورد پرتغالی تحت سلطه استعمار قرار گرفت و پس‌ازآن تاجران انگلیسی، فرانسوی، هلندی وارد این منطقه شدند و تا قرن ۱۷ و ۱۸ که سواحل نیجریه به یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری آفریقا برای تجارت برده تبدیل‌شده تجارت برده طی سال‌های ۱٦۵۰ تا ۱۸٦۰ سبب مهاجرت بیش از ۳.۵ میلیون به مناطق آمریکای شمالی و جنوبی شده است(Turner, 2003: 1238).

پیروان گروه بوکوحرام سرچشمه همه مشکلات ازجمله تهیدستی و بدبختی و ناامیدی و... را نشستن قوانین بشری و فرهنگ و آموزش غربی به‌جای احکام و قوانین الهی و فرهنگ اصیل و ناب اسلامی در جامعه می‌دانند. اعضای این گروه فساد دولتی، سوء مدیریت و حکومت نالایق کشور را از مشکلات سیاسی نیجریه می‌دانند. دعوت به اجرای احکام

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۲
سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹٦

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

اسلامی از سوی این گروه، درواقع در مخالفت با سیاست‌ها و رفتارهای تبعیض‌آمیز و فساد کارگزاران دولت در استان‌های شمالی نیجریه صورت می‌گیرد (Marchal R, 2012:4). این پژوهش به‌منظور بررسی علل و دلایل شکل‌گیری گروه بوکوحرام در نیجریه انجام‌گرفته و در این راستا تلاش شده است به سؤالاتی همچون انگیزاننده‌های اصلی در بروز خشونت‌های اعمال‌شده توسط بو کو حرام؟ و نقش استعمار در ایجاد محرومیت نسبی ناشی از تفاوت انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و توانایی‌های ارزشی (داشته‌ها) جامعه مسلمان؟ پاسخ داده شود. نظریه محرومیت نسبی تدرابرت گر در کتاب «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟» که رویکردی روان‌شناسانه به مباحث خشونت جمعی دارد و علل بروز خشونت‌های جمعی را بررسی می‌کند، مبنای نظری در تحلیل و چرایی شکل‌گیری این پدیده خشونت‌گرا قرارگرفته است. در این پژوهش ابتدا به بررسی نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر می‌پردازیم و با تعریف محرومیت نسبی به‌عنوان تصور وجود تفاوت میان انتظارات ارزش و توانایی‌های ارزشی به این موضوع خواهیم پرداخت که چگونه استعمار سبب ایجاد محرومیت نسبی جامعه مسلمان در نیجریه شد و بو کو حرام چرا و چگونه منبع محرومیت نسبی و هدف خشونت‌های خود را غرب و عناصر غربی معرفی کرده است. این در حالی است که مسلمانان پیشینه مثبتی در نیجریه داشته‌اند و خلافت اسلامی آن‌ها پس از استعمار انگلیس از بین رفت، درواقع استعمار از ابتدا مسبب اصلی محرومیت‌ها، نارضایتی‌ها و ناکامی اقتصادی و شرایط تبعیض‌آمیز بین مسلمان و مسیحیان در جامعه نیجریه شده و اثرات آن تاکنون گریبان‌گیر نیجریه هست.

پیشینه تحقیق

در ادبیات تحقیق و تحلیل جهان، مسائل مربوط به آفریقا سهم شایسته و درخور توجهی دارند. در زبان فارسی نیز کتاب‌ها و مقالات زیادی پیرامون آفریقا و کشورها آن وجود دارد؛ اما در مورد پدیده بوکوحرام تاکنون تنها یک مقاله علمی پژوهشی و یک مقاله علمی ترویجی در این رابطه به چاپ رسیده است که مختصراً به توضیح آن خواهیم پرداخت.

ابوالقاسم شهریاری و همکاران در مقاله خود با عنوان بررسی بسترهای شکل‌گیری و رشد رادیکالیسم اسلامی در نیجریه (۱۳۹۲) به دنبال بررسی روند شکل‌گیری رادیکالیسم اسلامی در نیجریه به تحلیل موردی پدیده بو کو حرام در چهارچوب نظریه جنبش‌های اجتماعی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

به بررسی عوامل زمینه‌ساز ظهور و رشد رادیکالیسم اسلامی به‌ویژه بو کو حرام در نیجریه پرداخته‌اند.

مهدی عباس زاده فتح‌آبادی در مقاله خود با عنوان بو کو حرام فرقه اسلام‌گرای افراطی در نیجریه (۱۳۹۲) با روش توصیفی تحلیل به تبیین ریشه‌ها و عوامل مؤثر در پیگیری و بالندگی این گروه در شمال نیجریه پرداخته است و سرانجام به ارزیابی تأثیرات گروه بوکوحرام در نیجریه پرداخته است.

مقاله پیش رو در نظر دارد به نقش استعمار و ناکامی‌های اقتصادی حاصل از آن در جامعه نیجریه به‌عنوان عاملی مؤثر در شکل‌گیری گروه‌های افراطی و خصوصاً بو کو حرام بپردازد و ضمن آنکه دلیل اصلی شکل‌گیری چنین گروه‌هایی را مجموعه عواملی همچون محرومیت‌ها و ناکامی‌های اقتصادی، فقر، گرسنگی، بیکاری، فساد دولت، نارضایتی، شرایط تبعیض‌آمیز مسلمانان و مسیحیان، اختلافات قومی و قبیله‌ای می‌داند، سهم استعمار در به وجود آمدن این شرایط نا به سامان را به تفکیک موردبررسی قرار دهد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶

روش تحقیق

ازآنجاکه هدف انجام این تحقیق دست یافتن پاسخ به این پرسش است که نارضایتی موجود (محرومیت نسبی) در اقوام مسلمان ساکن ایالت‌های شمالی به‌ویژه نیروهای تحت سلطه بو کو حرام ریشه در چه عواملی دارد؟ روش تحقیق در این مقاله به‌صورت توصیفی- تحلیلی هست. در این مقاله فرض بر این است که نارضایتی (محرومیت نسبی) موجود در اقوام مسلمان ساکن شمال نیجریه که نتیجه اجتماعی آن بو کو حرام بوده است، ریشه در بیش از دو قرن سلطه استعمار در این کشور دارد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای هست.

چارچوب نظری

جدای از تحلیل‌های مارکسیستی درباره خشونت سیاسی که در جامعه‌شناسی شوروی سابق پیش از فروپاشی کمونیسم محور اصلی تحلیل پدیده‌ی انقلاب و اشکال گس‌ترده و خشونت‌آمیز تغییر سیاسی مطرح بود، عمدتاً دو گروه دیگر از تحلیل‌های جامعه‌شناختی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

دراین‌باره عرضه‌شده‌اند؛ نخست نظریه‌هایی که مبنای آن بر رابطه میان توقعات اجتماعی و میزان ارضای آن‌هاست و دوم نظریه‌ای که اساس هر جامعه را تعادل و موازنه در آن می‌داند و هرگونه خشونت سیاسی را نوعی خروج از این موازنه که باید به‌گونه‌ای از آن جلوگیری کرد، یافت (فکوهی، ۷۵:۱۳۷۸). نظریه اول از سوی اندیشمندانی چون الکسی دوتوکویل مورخ و سیاستمدار فرانسوی و جامعه شناسان و اندیشمندان معاصری همچون کرین برینتون، جیمز دیویس، تد رابرت گر مطرح‌شده است و نظریه دوم از سوی جامع شناسان کارکردگرا (فکوهی، ۱۳۷۸: ۷٦). تدرابرت گر در تحلیل خشونت رویکرد روان‌شناختی را برگزید و توضیح داد که چگونه تجمع نارضایتی‌ها با خشونت سیاسی آشکار می‌شود. منبع اصلی ظرفیت انسان برای خشونت مکانیسم ناکامی و سرخوردگی است، احساس ناشی از ناکامی و سرخوردگی ایجاد انگیزه‌ای برای خشم خواهد کرد صرف‌نظر از پرخاشگری ابزاری[1]. هرچند که گر اولین کسی نبود که در نظریه خشونت خود عوامل و محرکه‌های بیرونی را مدنظر قرارداد بلکه دونالارد و میلر[2] پیش‌ازاین به بررسی نظریه سرخوردگی خشونت[3] پرداخته بودند (Richardson, 2011: 6).

تدرابرت گر با رویکردی روان‌شناسانه به مباحث خشونت جمعی و سیاسی می‌کوشد تا علل بروز خشونت‌ها را تبیین کند، نویسنده خشونت سیاسی را به‌عنوان تمامی حملات فراگیر که درون یک جامعه سیاسی، علیه رژیم سیاسی و بازیگران آن، شامل گروه‌های سیاسی رقیب و صاحبان قدرت یا سیاست‌های آن انجام می‌گیرد تعریف می‌کند (گر، ۱۳۸۸: ۲٤). نظریه انقلاب گر را مکمل نظریه دیویس دانسته‌اند که با دیدگاه اقتصادی محض، محرومیت نسبی را عامل بروز انقلاب‌ها و شورش‌ها معرفی می‌کند ولی گر گامی به‌پیش نهاده و انتظارات فزاینده انسان‌ها را حتی در وضعیت فقدان محرومیت واقعی عامل بروز خشونت‌ها می‌شناسد، بدین گونه نظریه وی وارد حوزه روان‌شناسی اجتماعی می‌شود (گر، ۱۳۸۸: ۲٤). مفهوم خشونت سیاسی نمایانگر مجموعه از حوادث است که وجه مشترک تمامی آن‌ها استفاده واقعی از خشونت یا تهدید به کاربرد آن است. خشونت سیاسی نیز به‌نوبه خود نوعی زور–یعنی

۱. پرخاشگری ابزاری است برای رسیدن به یک هدف خاص (Instrumental aggression)

2. Dollard and Miller

3. Frustration-aggression theory

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت توسط هر گروه یا نهادی برای کسب اهداف خود درون یا خارج از نظم سیاسی تلقی می‌شود. این تعریف مبتنی بر این پیش‌داوری نیست که خشونت سیاسی امری نامطلوب است؛ همانند استفاده از دولت‌ها از خشونت به‌عنوان زور، در موارد خاص خشونت سیاسی نیز ممکن است از دیدگاه یک ناظر خوب، بد یا فاقد بار ارزشی باشد. در این تحقیق الگوی اساسی مورداستفاده در خصوص شرایطی که به خشونت سیاسی منجر می‌شود، متغیرهای روان‌شناسانه و اجتماعی در هم می‌آمیزد (گر، ۱۳۸۸: ۳۲).

محرومیت نسبی به‌عنوان تصور وجود تفاوت میان انتظارت ارزشی[1] (value expectation) انسان‌ها و توانایی‌های ارزشی[2] (value capabilities) تعریف می‌شود. انتظارات ارزشی، کالاها و شرایطی هستند که مردم خود را مستحق آن می‌دانند. توانایی‌های ارزشی کالاها و شرایطی هستند که مردم فکر می‌کنند در صورت در اختیار داشتن ابزارهای اجتماعی می‌توانند آن‌ها را به دست آورند و حفظ کنند. آن دسته از شرایط اجتماعی که بدون افزایش توانایی‌ها، سطح متوسط یا شدت انتظارات را افزایش می‌دهند باعث افزایش شدت نارضایتی می‌شوند. همین‌طور دستاوردهای ارزشی گروه‌های دیگر و وجود وعده‌هایی مبنی بر اعطا فرصت‌های جدید ازجمله شرایطی هستند که چنین تأثیری برجا می‌گذارند. شرایط اجتماعی که بدون کاهش انتظارات ارزشی انسان‌ها، سطح متوسط موقعیت ارزشی آن‌ها را کاهش دهند نیز به همین‌گونه باعث افزایش محرومیت و درنتیجه تشدید نارضایتی می‌شوند (گر، ۱۳۸۸: ۳٤).

نارضایتی حاصل از محرومیت، محرکی کلی برای اقدام است. هم نظریه روان‌شناسانه و هم نظریه تعارض‌آمیز گروهی بر آن‌اند که هر چه شدت نارضایتی بیشتر باشد احتمال خشونت نیز بیشتر است (تدرابرت گر، ۱۳۸۸: ۳٤). توالی علی بروز عمده در خشونت سیاسی ابتدا با بروز نارضایتی آغاز می‌شد، در مرحله دوم این نارضایتی سیاسی می‌شود و نهایتاً به تحقق اعمال خشونت‌آمیز علیه موضوعات یا بازیگران سیاسی می‌انجامد. نارضایتی حاصل از ادراک محرومیت نسب شرط اساسی انگیزاننده مشارکت‌کنندگان در خشونت جمعی است (گر، ۱۳۸۸: ۳۳). روانشناسان معتقدند که خشونت انباشت شده در اثر تحمل محرومیت به‌محض آزاد شدن منبع محرومیت را هدف پرخاشگری قرار می‌دهد و تلاش به نابودی فیزیکی آن خواهد نمود اما درصورتی‌که این منبع نامشخص باشد خشونت سیاسی

1. Expectation value
2. Capabilities value

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

می‌تواند کورکورانه عمل کند و هر چیزی را هدف بگیرد (فکوهی، ۱۳۷۸: ۷٤). دو مفهوم مرتبط یعنی نارضایتی و محرومیت، اکثر وضعیت‌های روانی مانند ناکامی، ازخودبیگانگی، تعارضات میان وسیله و هدف، نیازهای ضروری و فشارها را که به‌طور صریح یا ضمنی در برداشت‌های نظری به‌عنوان علل خشونت شناخته‌شده‌اند در برمی‌گیرد (گر، ۱۳۸۸: ۳۳).

مفهوم محرومیت نسبی ریشه در «فرضیه سرخوردگی تجاوز»[1] جان دولارد دارد. دولارد می‌گوید: وقوع خشونت همواره پیش‌فرض وجود سرخوردگی است و برعکس وجود سرخوردگی همیشه به‌نوعی از خشونت منجر می‌شود. وقتی فرد برای دست‌یابی به هدفی تلاش می‌کند و عاملی مانع دست‌یابی به آن می‌شود، غریزه‌ی پرخاشگری در فرد بیدار می‌شود که خود منجر به رفتار پرخاشگرانه‌ی معطوف به آسیب زدن به آن مانع می‌شود (Dennen, 2005: 3). فرض اساسی گر این است که پیش‌شرط ضروری برای درگیری‌های خشن داخلی محرومیت نسبی[2] RD است. همان‌طور که گفته شد گر معتقد است چنانچه درراه حصول افراد به اهداف مانعی ایجاد شود محصول طبیعی این وضع ایجاد ناکامی و نارضایتی در آن‌هاست و چنانچه منبع محرومیت شناسایی‌شده و در دسترس باشد، پرخاشگری امری طبیعی جهت کاهش تنش‌های روانی خواهد بود. گر می‌کوشد ابتدا به چگونگی ایجاد محرومیت نسبی (منبع نارضایتی) در افراد اشاره‌کرده و سپس نشان دهد که چگونه این وضعیت ذهنی روانی، تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی از حالت ذهنی خارج‌شده و در شکل خشونت سیاسی (وضعیتی عینی) نمایان می‌گردد (سام دلیری، ۱۳۸۲: ۳).

محرومیت نسبی ممکن است بر اساس مقایسه وضعیت فعلی فرد با گذشته خود، آرمان‌های انتزاعی یا معیارهایی که توسط یک رهبر یا یک گروه مرجع طراحی‌شده است (ایدئولوژی) و ارجاع به گروه‌های دیگر، شکل گیرد (گر، ۱۳۸۸: ٥٤). بدین ترتیب محرومیت نسبی می‌تواند سه نوع متفاوت داشته باشد:

الف. محرومیت نزولی، که در آن انتظارات افراد ثابت اما توانایی‌هایشان به‌طور مداوم کاهش می‌یابد.

ب. محرومیت ناشی از بلندپروازی، یعنی درحالی‌که توانایی‌های افراد ثابت است انتظاراتشان افزایش می‌یابد.

1. Aggression Frustration Theory
2. Relative Deprivation

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

ج. محرومیت صعودی که پس از یک دوره رشد هم‌زمان انتظارات و توانایی‌ها، توانایی‌ها از رشد صعودی بازایستاده و یا کاهش شدیدی می‌یابد و انتظارات همچنان حالتی صعودی دارند.

هرچه محرومیت نسبی ایجادشده بر اساس تفاوت میان انتظارات و توانایی‌ها شدیدتر باشد، آنگاه نارضایتی شدیدتر و احتمال و شدت خشونت هم بیشتر خواهد بود. محرومیت نسبی موجب بروز نارضایتی در افراد می‌گردد و نارضایتی محرکی کلی برای اقدام علیه منبع محرومیت است (سام دلیری، ۱۳۸۲: ۵).

زمینه تاریخی شکل‌گیری بو کو حرام در نیجریه

در حال حاضر، مسئله توسعه جدی‌ترین مشکل روبروی کشورهای آفریقا است. این قاره باوجود ذخایر عظیم معدنی و منابع انسانی گسترده هنوز تا حد زیادی توسعه‌نیافته است. چندین دهه پس از پایان استعمار، هنوز آفریقا با مشکلاتی از قبیل نرخ فقر بالا، بیکاری، نرخ مرگ‌ومیر بالا، بی‌ثباتی سیاسی، ناامنی و عدم امکانات زیربنایی اساسی در تمام بخش‌های اقتصادی مبارزه می‌کند (Ikenna, 2009: 1). جمهوری فدرال نیجریه در غرب آفریقا و پرجمعیت‌ترین کشور قاره آفریقا است. نظام سیاسی آن شامل ۳۶ دولت ایالتی، ۷۷٤ دولت محلی و بیش از ۲۰۰ گروه قومی است. هرچند این کشور به‌عنوان قدرت مسلط در غرب آسیا شناخته‌شده است و بزرگ‌ترین قدرت نظامی و اقتصادی در غرب آفریقا می‌باشد اما درعین‌حال یک رابطه ویژه شکننده بین دولت و شهروندان آن وجود دارد. نیجریه با توجه به گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد (۲۰۱۵) رتبه ۱۵۲ از ۱۸۸ کشور در شاخص توسعه انسانی[1]، بر اساس گزارش شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد(۲۰۱۵) رتبه ۱۹٤ از ۲۰۱ در امید به زندگی[2] در بدو تولد، بر اساس گزارش بانک جهانی رتبه ۱۲٦ در تولید ناخالص داخلی سرانه[3] و رتبه ۱۵۲ شاخص نابرابری جنسیتی[4]، رتبه ۱۳٦ در بین کشورها در شاخص احساس فساد[5] را دارا می‌باشد. این کشور مجموعه‌ای از رتبه‌های پایین در شاخصه‌های توسعه و اقتصاد را دارا هست و با مشکلات بسیاری روبه‌رو است. پس از پایان استعمار

1. HDI: Human Development Index
2. Life Expextency
3. GDP (PPP) per capita
4. GII: Gender Inequality Index
5. CPI: Correption Perception Index

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

بریتانیا، نیجریه به صحنه‌ای برای درگیری‌ها و منازعات مختلف تبدیل‌شده است. در حوادث سال ۱۹۷۰، جنگ داخلی بر سر استقلال بیافرا بیش از دو میلیون نفر کشته شدند. منابع نفتی توسط دولت‌های فاسد و دزد به غارت رفته و فساد و ناکارآمدی در دولت‌ها فراگیر شده است و نگاهی منفی و بدبینانه شدیدی نسبت به دولت‌ها در بین مردم عادی حاکم است که آتش منازعات و اختلافات را افزایش داده و چالشی برای امنیت نیجریه رقم‌زده است (Forest, 2012: 21).



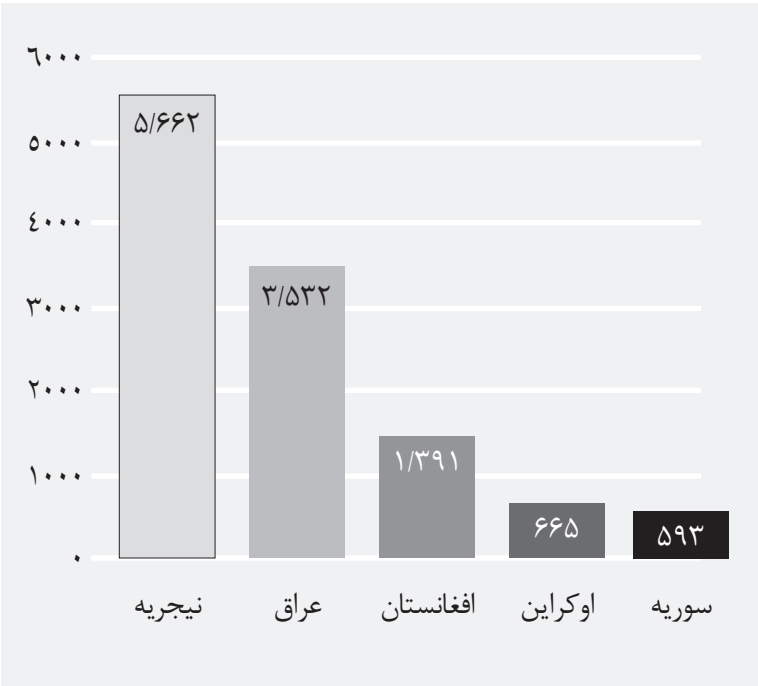
شکل شماره ۱: شاخصه‌های ضعیف اقتصادی و توسعه‌نیافتگی نیجریه (World Bank, 2015)

گروه بو کو حرام در سال ۲۰۰۲ توسط محمد یوسف در مایدوگوری بنیان‌گذاری شد و در سال ۲۰۰٤ به کاما در ایالت یوبه نقل‌مکان کرد. محمد یوسف در جولای ۲۰۰۹ به قتل رسید. محمد یوسف که خود تحصیل‌کرده غرب بود به‌شدت با دموکراسی، آموزشِ سکولار و دانش مخالف بود. محمد یوسف حتی کروی بودن زمین را هم زیر سؤال برده است. او سلفی است و به‌شدت تحت تأثیر نظرات ابن تیمیه است. آرای ابن تیمیه مبنای نظریِ مکتب سلفی است. پیروان این گروه اکثراً جوانان بیکار و فاقد تحصیلات هستند (The Associated Press, 2015). با کشته شدن محمد یوسف در سال ۲۰۰۹، ابوبکر شکائو رهبر این گروه شده است وی در سال ۲۰۱۵ با انتشار پیامی صوتی در اینترنت به‌طور رسمی بیعت خود را با ابوبکر البغدادی، خلفیه گروه اسلامی داعش اعلام کرد. در آخرین ویدیوهایی که از صحبت‌های شکائو پخش‌شده وی سیستم دموکراسی را نظامی اهریمنی خوانده و اظهار داشته تنها چیزی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

که ما به‌عنوان قانون اساسی به رسمیت می‌شناسیم قرآن و احادیث پیامبر(ص) است.

لازمه درک حجم بالای خشونت‌های این گروه افراطی علیه هرگونه عناصر و آثار غربی همچون مدارس آموزشی و درک این موضوع که چرا گروه بو کو حرام مسبب اصلی محرومیت جامعه مسلمان در شمال نیجریه را غرب و استعمار می‌داند و اینکه شرایط تبعیض‌آمیز بین مسلمان ساکن شمال و مسیحیان ساکن جنوب نیجریه را ناشی از دولت سکولار می‌داند و درعین‌حال موردحمایت بخشی از جامعه مسلمان قرار می‌گیرد آن است که به بررسی تاریخی وضعیت مسلمانان در نیجریه پرداخته شود.



نمودار شماره ۱: افزایش تلفات ناشی از حملات تروریستی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴

(GTI Report, 2015)

رهبر جنبش بوکوحرام محمد یوسف بوده که درزمانی که مشغول تحصیل در مدرسه راهنمایی بوده ترک تحصیل‌کرده و به چاد و نیجر رفت تا به مطالعه قرآن بپردازد، وی درزمانی که در این دو کشور بود دیدگاه‌های رادیکالی و نفرت‌آمیزی نسبت به مدرنیزاسیون پیدا کرد و تبدیل به یک شخص غرب‌زده شد. او در سال ۲۰۰۱ به نیجریه بازگشت و گروه بو کو حرام

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۱۰
سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

را تأسیس نمود. این گروه در مدتی کوتاه توانست در حدود ۲۸۰ هزار عضو در محدوده شمال نیجریه و کشور چاد و نیجر جذب کند. ایدئولوژی و فلسفه این گروه رازمانی می‌توان دریافت که معنای این واژه بپردازیم، در زبان هوسا کلمه بو کو معادل غرب یا خارج است و کلمه حرام معادل معنی عربی آن یعنی آنچه ازنظر شرع غیر مشروع است، بنابراین بوکوحرام یعنی امتناع و پرهیز از هر چیز غربی که در برخی منابع به تحصیل غربی حرام است معنا شده است. پیروان بو کو حرام معتقدند باید سنت‌های اسلامی را جایگزین فرهنگ غربی امروزی کنیم چراکه ارزش‌های اسلامی در تضاد باارزش‌های غربی است، آن‌ها معتقدند هرکسی که در راستای مبارزه این اهداف یعنی مبارزه با تمدن غربی کشته شود، سعادتمند شده و به بهشت می‌رود (DANJIBO, 2012: 5).

بوکوحرام حوزه فعالیت خود را در کشورهای نیجر، کامرون و چاد گسترش داده و حاصل آن افزایش ۱۵۷ درصدی در تعداد تلفات اقدامات تروریستی در این سه کشور هست. وداعش نیز حوزه فعالیت خود را به ۲۸ کشور افزایش داده است. (GLOBAL TERROR-ISM INDEX, 2016: 4). در سال ۲۰۱۵ شاهد کاهش ۱۸ درصدی در مرگ‌ومیر ناشی از عملیات تروریستی هستیم، سال ۲۰۱۵ تعداد ٥٤٧٨ نفربر اساس عملیات تروریستی گروه بو کو حرام جان خود را ازدست‌داده‌اند و درحالی‌که در سال ۲۰۱٤ بو کو حرام به‌عنوان مرگبارترین گروه تروریستی توسط موسسه صلح و علوم اقتصادی معرفی‌شده بود، ولی در سال ۲۰۱۵ بو کو حرام جای خود را به داعش به‌عنوان مرگبارترین گروه تروریستی واگذار کرده است. هرچند دامنه فعالیت‌های بوکوحرام در کشور نیجریه کاهش پیداکرده ولی نگرانی‌ها ازآن‌جهت است که در حال حاضر گسترش اقدامات بو کو حرام در همسایگان غربی نیجریه، کشورهای کامرون، نیجر، چاد و برنو در حال افزایش است (GLOBAL TER-RORISM INDEX, 2016: 6).

با بررسی شواهد و قراین عامل اصلی محرومیت جامعه نیجریه بخصوص اکثریت مسلمانان می‌توان اثرات استعمار را در این کشور یافت. استعمار به طریق مختلف باعث ناکامی اقتصادی و محرومیت جامعه نیجریه خصوصاً مسلمینان در شمال شده که زخم‌های کهنه‌ی آن کماکان بر پیکر این کشور دیده می‌شود. فقر گسترده که یکی از عوامل اصلی نارضایتی و محرومیت و درواقع عاملی است که توانایی‌های ارزشی جامعه مسلمان را کاهش

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

داده، ریشه در فرهنگ استعماری دارد. تبعیض عمیق بین جامعه مسلمان و جامعه مسیحی که طبق نظر گر یکی از منابع انتظارات فزاینده در بروز پدیده خشونت است، به‌وضوح در فرهنگ استعماری قابل‌مشاهده است. دولت سکولار و رفتار تبعیض‌آمیز آن با مسلمانان و عدم ایفای نقش مسلمانان درصحنه‌های سیاسی هم عاملی است که ریشه آن در قانون اساسی است که پس از استعمار برگرفته از قوانین کشور استعمارگر انگلیس است.

جنگ و مبارزه دولت استعمارگر انگلیس علیه جنبش‌های اسلامی بخصوص جنبش موفق شیخ عثمان دان فودیو در قرن ۱۹ عامل دیگری بوده که باعث شده مسلمانان غرب را به‌عنوان منبع محرومیت در نظر بگیرند. سال ۱۹۰۰ کشور نیجریه مورد هجوم کشور انگلستان قرار گرفت و این جنگ تا ۱۹۰۳ ادامه یافت و نهایتاً نیروهای انگلیسی توانستند مناطق شمالی که تحت سلطه حکومت اسلامی سکوتو بودند را تصرف کنند. عثمان فودیو که موفق به تشکیل حکومت اسلامی در محدوده شمال نیجریه شده بود هم‌اکنون به‌عنوان قهرمان مبارزه با استعمار و غرب شناخته می‌شود و مردم مسلمان نیجریه خود را مدیون او می‌دانند. درواقع قیام‌های شمال نیجریه علیه هنجارهای غربی تاریخی طولانی دارند و به‌هیچ‌وجه «اختراع» بوکوحرام نیست. به‌عنوان‌مثال جنبش میتاتسین در دهه هشتاد میلادی نیز یک جریان شبه‌نظامی بود که معروف به قرآنی‌های نیجریه بودند آن‌ها معتقد بودند که اسلام به‌وسیله مدرنیزاسیون تباه گشته و با بسیاری از جنبه‌های مدرنیته مخالف بودند. جنبش میتاتسین به رهبری محمد مروا، واعظی اهل کامرون در دهه هفتاد میلادی آغاز شد. هواداران این جنبش جوانان بیکار و محروم از آموزش بودند که علیه سیاست‌های جدید اقتصادی، ارزش‌های غربی و حتی نهادهای رسمی مذهبی و مساجد عصیان کردند. این جنبش در اوایل دهه هشتاد میلادی پس از ناآرامی‌های کانو، توسط ارتش سرکوب شد. طبق آمار رسمی بیش از چهار هزار نفر ازجمله رهبر آن در این سرکوب کشته شدند. کانو دومین شهر بزرگ نیجریه است و هم‌اینک کانون بوکوحرام به شمار می‌رود؛ بنابراین جنگ و منازعه ریشه در استعمار این کشور دارد، تقسیمات قومی و نژادی، تبعیض بین ادیان، دولت ناکارآمد و فاسد، نا به سامانی اقتصاد و فقر و محرومیت گسترده از عوامل ریشه‌ای این بحران در نیجریه است که زمینه را برای اقدامات افراطیون خشونت‌طلب محیا کرده است.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

بررسی پیشینه مسلمانان در نیجریه و جنبش‌های اسلامی

ورود اسلام به آفریقا از طریق شمال آفریقا خصوصاً سودان و صحرای غربی به‌وسیله‌ی تجار مسلمان در قرن هفتم ه.ق صورت گرفت، بدین‌صورت که افراد قبیله هوسایکی از بزرگ‌ترین قبیله‌های ساکن در آفریقای غربی در اثر ارتباط با تجار مسلمان به‌سوی اسلام گرایش یافته و آن را پذیرفتند. به دنبال پذیرش اسلام از طرف مردم هوسا، اسلام خیلی سریع در سرتاسر نواحی شمال نیجریه گسترش یافت و قبیله‌های دیگر که در این ناحیه به سر می‌بردند به دین اسلام گرویدند که می‌توان از قبیله فولانی دومین قبیله قدرتمند شمالی نیجریه نام برد. به دلیل همین سابقه‌ی تاریخی، افراد دو قبیله هوسا و فولانی خود را پرچم‌دار اسلام در نیجریه می‌دانند و شدیداً به اسلام و سنت‌های اسلام وفادارند. این سابقه‌ی تاریخی و همبستگی دینی و فکری در مردم شمال نیجریه باعث شد که در دو قرن پیش عالمی به نام شیخ عثمان دان فودیو[1] بنیان‌گذار یک حرکت اسلامی در این ناحیه از سرزمین آفریقا غربی شود، سرانجام این حرکت اسلامی موفق به درهم شکستن قدرت‌های پادشاهی محلی و تأسیس یک خلافت اسلامی شد. این خلافت که به مدت صدسال دوام آورد، بالاخره با هجوم استعمارگران انگلیسی به سرزمین شمال نیجریه درهم‌شکسته شد.

عثمان دان فودیو یکی از مسلمانان مؤثر و پرتلاش در نیجریه بود که زندگی خود را وقف گسترش اسلام در غرب آفریقا کرده و به همین دلیل مردم مسلمان نیجریه خود را مدیون او دانسته و یادش را گرامی می‌دارند. (شکیبا، ۱۳۸۸: ٦۹). در اواخر قرن ۱۹ میلادی پسر وی محمد بللو همراه با گروه‌های مذهبی فولانی جنگ دیگری را در مناطق شمالی آغاز کردند و حکومت اسلامی سکوتو را بوجود آوردند و بخش اعظم شمال نیجریه تا پایان قرن ۱۹ میلادی تحت کنترل درآوردند. پس از برگزاری اجلاس سال ۱۸۸٤ سرزمین‌های آفریقایی بین کشورهای استعمارگر تقسیم شدند و در سال ۱۹۰۰ میلادی شمال نیجریه مورد هجوم نیروها فرهنگی تا سال ۱۹۰۳ میلادی یعنی زمان فتح کامل و تصرف مناطق مسلمان‌نشین شمال و نام‌گذاری آن منطقه به منطقه‌ی تحت‌الحمایه شمالی ادامه داشت. دولت انگلستان منطقه را به دو بخش تقسیم نمود و در سال ۱۹۰٦ میلادی دولت‌های جداگانه‌ای را که شامل منطقه تحت‌الحمایه شمالی و منطقه تحت‌الحمایه جنوبی و مستعمره لاگوس بودند تأسیس

1. Uthman dan Fodio

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

نمود. مناطق نظامی سیاسی بافرهنگ‌های متفاوت در میان بومیان سبب شد آن‌ها تاریخ فرهنگی سیاسی متفاوتی را تجربه کنند. درمجموع آثار ناپسند استعمار بافرهنگ رژیم‌هایی که توسط کودتاهای نظامی در نیجریه برقرار می‌شدند گسترش یافت. درنتیجه الگوی تغییرات فرهنگی-اجتماعی و مفاهیم توسعه که به نیجریه‌ها ارث رسد دچار نقص و کمبودهای زیادی بود. تأثیر فرهنگ غرب و مسیحیت در این کشور به‌ویژه در رابطه با استفاده گسترده از زبان انگلیسی زیاد بود، زبان انگلیسی در مناطق جنوبی نیجریه کاربرد فراوان یافت و سبب افزایش تفاوت فرهنگی میان شمال و جنوب نیجریه گردید (نصیری، ۱۳۹۰: ۱۲،۱۳)؛ بنابراین حکومت اسلامی که در مناطق شمال نیجریه کنونی، نیجر و شمال کانون روزگاری به‌عنوان خلافت اسلامی مطرح بود و قوانین شریعت را حاکم کرده بود در ۱۹۰۳ توسط بریتانیا و استعمار از بین رفت و به‌مرور ساختار سیاسی، اقتصادی، آموزشی استعمار سبب دوپاره کردن جامعه نیجریه یعنی مسلمانان در شمال و مسیحیان در جنوب شد. در ادامه توضیح خواهیم داد که چگونه این شرایط سبب تفاوت عمیق میزان توسعه‌یافتگی در این دو منطقه شمال مسلمان و جنوب مسیحی در نیجریه شد.

۱) تأثیر استعمار بر فقر، نابسامانی‌های اقتصادی، توسعه‌نیافتگی

سیستم استعماری شامل نهادهای اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ایدئولوژی خاص خود می‌گردید و در مقایسه با استعمار نو که قلمرو اصلی فعالیت آن درزمینه‌ی اقتصادی است، از مفهوم گسترده‌تری برخوردار بوده است. حاکمیت استعمار آفریقا اساساً به‌صورت یک سیستم تبعیض نژادی در کلیه شئون زندگی وارد می‌شد و استثمار اقتصادی را همراه داشته است. مستعمره نشینان اروپایی حاصلخیزترین زمین‌ها را به تصاحب خود درآوردند و استعمارگران دهقانان آفریقایی را مجبور به کشت محصولات صادراتی می‌نمودند و تولیدات آن‌ها را با پرداخت قیمت‌های ناچیز به یغما می‌بردند. (ایوانف، ۱۳۶۱: ۷). مواد خام از دل معادن بی‌شمار آفریقا استخراج می‌شد و روانه کشورهای پیشرفته و سرمایه‌دار می‌گردید. اولین بار اواسط قرن ۱۵ پرتغالی‌ها اقدام به خرید تعدادی برده جهت فروش در اروپا نمودند، در ادامه با کشف قاره آمریکا تجارت برده به مهم‌ترین تجارت آفریقا تبدیل شد و از سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ اروپایی‌ها بیش از ده میلیون برده از سواحل آفریقا به آمریکا وارد نمودند (رادنی، ۱۳۸۲: ۱۰). درواقع اگر بخواهیم اثرات تجارت برده به‌وسیله اروپا را در قاره‌ی آفریقا

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

را بسنجیم ضروری است که اثرات آن را ازنظر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی ارزیابی کنیم و در همین راستا بود که اورلاند پترسون برده‌داری را از دست دادن هویت اجتماعی و تشبیه به مرگ اجتماع[1] کرده است.

در ادامه به بررسی نقش استعمار در ایجاد محرومیت نسبی حاصل از تفاوت بین توانایی‌های ارزشی و انتظارات ارزشی جامعه مسلمان نیجریه خواهیم پرداخت. استعمار به طرق مختلف همچون احساس سرخوردگی و شرایط تبعیض‌آمیز مسلمانان در مقایسه با مسیحیان، شکاف اجتماعی در اثر تجارت برده، رکود تکنولوژی و انحراف اقتصادی، نارضایتی سیاسی، فساد دولتمردان و اختلافات قومی و قبیله‌ای مسبب بخش اعظمی از محرومیت نسبی جامعه مسلمان نیجریه بوده است. به نظر می‌رسد این محرومیت نسبی در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی همچون بوکوحرام مؤثر بوده است که نتیجتاً غرب و عناصر غربی از جانب گروه بو کو حرام منبع محرومیت نسبی و هدف اقدامات خشونت‌آمیز قرارگرفته است.

۲) شرایط تبعیض‌آمیز مسلمانان و تأثیر آن بر نارضایتی حاصل از محرومیت نسبی

به‌طور تقریبی نیمی از جمعیت نیجریه مسلمان و نیمی دیگر مسیحی هستند. پس از استقلال نیجریه، حاکمیت تنها یک گروه از ادیان یعنی مسیحیت در مناسب حکومتی و نهادهای دولتی سبب رقابتی شدن زندگی سیاسی شده است به‌گونه‌ای بسیاری از گروه‌ها احساس به حاشیه رانده شدن اقتصادی و سیاسی دارند (Forest, 2012: 5). فقر، بیکاری، فساد گسترده، فرار مغزها و تنش‌ها دینی عوامل اجتماعی در عدم توسعه می‌باشند و موضوع کسب قدرت سیاسی و مبارزه با استعمار از سوی نهادها و جوامع آفریقایی از همان بدو ورود استعمارگران با ابراز مخالفت به‌صورت ناخرسندی در شهرها، شورش‌های قبیله‌ای و روستایی آغاز گردیده و متجاوزین را نگران می‌کرد. گفتنی است مسلمانان آفریقا از همان آغاز حضور و سلطه استعمارگران مقاومت و مبارزه را مطرح کردند. (دخانیاتی، ۱۳۵۸: ۱۹۸،۲۰۶) حضور مردم در انتخابات بسیار کمتر از میزان واقعی افراد واجد رأی است که این امر را ناظران سیاسی و اصحاب جراید به دل‌زدگی مردم از تلاش برای دموکراتیک کردن آن‌ها می‌دانند. (شکیبا، ۱۳۸۸: ٤٤).

مناطق جنوبی نیجریه محل سکونت مسیحیان این کشور است برای مسلمانان این

1. Socila Death

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

کشور، مسیحیت و کلیساهای تبشیری اهرم ایدئولوژیکی بود که توسط استعمارگران و برای تسهیل نفوذ در بین مردم این کشور ترویج شد است. کلیساهای تبشیری عامل مهم توسعه و سلطه فرهنگی استعمار به شمار می‌رفت؛ چراکه آن‌ها دارای امکانات سرکوب‌کننده و آگاهی‌بخش بودند، بدین معنی که هم‌زمان سلطه استعمار و مدرنیسم را ترویج می‌کردند. کلیساهای تبشیری به آموزش که آفریقایی‌ها آن را عامل پیشرفت استعمارگران می‌دانستند، اهمیت فراوانی می‌دادند (شکیبا، ۱۳۸۸: ٤٥). درواقع استعمارگران در آفریقا که همواره با مخالفت‌های شدید و مبارزات مسلمانان مواجه بوده‌اند، سیاست خود را بر مقابله و تضعیف آنان و در مقابل تقویت و حمایت از مسیحیان بنا نهادند (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۸:۵۱). درواقع ازآنجاکه شیوه آموزش استعماری، توسط مسیحیان اداره و هدایت می‌شد، مسیحیان از موقعیت مناسب‌تری برخوردار شدند و توانستند در امور اقتصادی و سیاسی مؤثرتر واقع شوند؛ بنابراین، در اکثر کشورهای آفریقایی سطوح بالای درآمدی و طبقات بالاتر اجتماعی در اختیار مسیحیان است و همین امر حساسیت سایر گروه‌های فرقه‌ای و مذهبی را برمی‌انگیزد و سبب می‌شود تا به مسیحیان به‌عنوان ستون پنجم استعمار نگریسته شود. تسلط مسیحیان بر ساختارهای آموزشی که می‌توان از آن (آموزش) به‌عنوان درگاه سیطره بر منابع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یادکرد، موجب تقویت و تثبیت موقعیت آن‌ها شده است (Mazrui, 2012: 4).

رابرت گر در نظریه محرومیت نسبی خود اشاره‌کرده که چنانچه درراه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان مانعی ایجاد شود، آنان دچار محرومیت نسبی شده و نتیجه طبیعی و زیستی این وضع، آسیب رساندن به منبع محرومیت است. بو کو حرام که در قوم هوسا به معنی تحصیل غربی حرام است، این گویای ذهنیت منفی مسلمانان نسبت به فرهنگ و پیشینه غرب دارد. به‌عنوان‌مثال دریکی از رمان‌های نویسنده مشهور نیجریه‌ای نجیب گیلانی از نگاه یک جوان مسلمان نیجریه‌ای این‌گونه فضای شهر ترسیم‌شده است: «سابون غری یا شهر جدید، قسمت‌هایی که قوانین اسلامی در آنجا رعایت نمی‌شود و خارجی‌ها در این قسمت زندگی می‌کنند، اسباب عیش و عشرت در آنجا گسترانیده و شهر بین خدا و گمراهان به دو قسمت تقسیم‌شده است. بی‌ایمانی اروپایی‌ها در سرزمین ما تخم فتنه است و اروپایی‌ها در پشت تمام فتنه‌ها و خون‌هایی که به زمین ریخته می‌شود قرار دارند. در این شهرها

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

بیمارستان‌ها در دست کلیساها است و آن‌ها رفتار توهین‌آمیز با مسلمانان دارند و درحالی‌که در شهرهای شمالی ۹۸ مردم مسلمان هستند ولی بیشتر سربازان و افسران ارتش از مسیحیان متعصب قوم ایبو هستند.» (کیلانی, ۱۳۷۰). یکی از دلایل حمله‌های تروریستی بوکوحرام به نیروهای پلیس نیجریه، غیر از کشته شدن رهبرشان به دست نیروهای پلیس، این است که پلیس نیجریه در چارچوب نظام متمرکز حکومتی، زیر کنترل دولت مرکزی است و نیروهایی که از پایتخت فرستاده می‌شوند، برعکس نیروهای بومی، شناخت دقیقی از اوضاع محلی ندارند و همین مایه‌ی ناکارایی پلیس می‌شود. البته هنگامی‌که پلیس قادر به کنترل اوضاع نباشد، ارتش وارد عمل می‌شود؛ اما ارتش نیز با شیوه‌های مهار کردن شورش‌های شهری آشنا نیست و کارهایی انجام می‌دهد که باعث گرایش بیشتر مردمان به گروه‌های تندرو به‌ویژه بوکوحرام می‌شود (Marchal R. , 2012: 3).

بنابراین همان‌طور که ذکر شد نیجریه ملتی است که دوپاره شده، قسمتی در جنوب متعلق به مسیحیان و قسمت شمال متعلق به مسلمانان در قسمت‌های شمالی بیش از ده‌ها استان‌ها تحت قانون شریعت هستند هرچند که هنوز تحت کنترل دولت سکولار قرار دارند. به گفته اهالی فقیر ناحیه شمالی نیجریه ایده تبلیغی رهبران دینی و مسلمانان خطاب به مردم آن است که ما تاکنون هیچ بهره مثبتی از شیوه حکومت‌داری غربی و تحصیلات غربی به دست نیاورده‌ایم و شرایط ما بهتر نخواهد شد مگر با بازگشت به شیوه زندگی که قرآن برای ما تجویز کرده است (The Associated Press, 2015). این فرقه از همه‌چیزی که رنگ و بوی غربی داشته باشد متنفر است، حتی علوم غربی. آن‌ها استعمار انگلیس و ارزش‌های غربی را مقصر می‌دانند چراکه معتقدند عامل نابودی فرهنگشان بوده است (The Associated Press, 2015). در ۸ ایالات شمالی نیجریه بیش از ۸۰ درصد زنان قادر به خواندن و نوشتن نیستند و تنها ۳ درصد از زنان می‌توانند تحصیلات راهنمایی را با اتمام برسانند (CHINWE JULIE, 2012: 4). در حالی است که آمار فقر مطلق در نیجریه در سال‌های گذشته به ۷۰ درصد رسیده است (Countries Compared by Economy , 2011). بر اساس گزارش‌هایی تنها یک درصد از نخبگان در قدرت ۸۰ درصد درآمدهای نفتی را در دست دارند و نزدیک به هفتاد درصد این درآمدها در بانک‌های خارجی نگهداری می‌شود. این انباشت سرمایه بیشتر در شهرهای لاگوس، آبوجا و آنیتشا متمرکزشده است. نابرابری در نیجریه ساختارمند شده

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

است. درآمدها در مناطق شمالی مسلمان‌نشین ۵۰ درصد کمتر از مناطق جنوبی مسیحی نشین است. سواد در شمال مسلمان‌نشین ۳/۲ کمتر از لاگوس می‌باشد (Forest, 2012: 36).

بنابراین جامعه نیجریه به‌عنوان جامعه‌ای دوپاره شاهد تبعیض و نابرابری خصوصاً میان مسلمانان و مسیحیان است. طبیعتاً در مکان‌هایی که شرایط زندگی سخت‌تر و در وضعیت بغرنج‌تر هست سرخوردگی و نارضایتی بیشتر است، بر همین اساس محرومیت نسبی تد رابرت گر که پیش‌تر گفته شد ریشه در نظریات سرخوردگی–خشونت[1] دارد این وضعیت را چنین تحلیل می‌کند که در شرایطی که سرخوردگی‌ها و نارضایتی‌ها ایجاد شود خشونت بروز پیدا خواهد کرد. نارضایتی حاصل از محرومیت، محرکی کلی برای اقدام می‌باشد. پس‌ازاینکه با بروز نارضایتی‌ها هیچ بهبود و تغییراتی حاصل نشود در مرحله دوم این نارضایتی سیاسی می‌شود و نهایتاً به تحقق اعمال خشونت‌آمیز علیه موضوعات یا بازیگران سیاسی که عامل محرومیت تصور می‌شوند، می‌انجامد. نارضایتی در مراحل بعدی عاملی است برای بروز خشونت‌ها علیه عامل محرومیت و شرایط تیره‌وتار فعلی مسلمان. درک محرومیت ابتدا با بروز نارضایتی آغاز می‌شد، در مرحله دوم این نارضایتی سیاسی می‌شود و نهایتاً به تحقق اعمال خشونت‌آمیز علیه موضوعات یا بازیگران سیاسی می‌انجامد. در بررسی‌های دقیق‌تر، نگارنده به این نتیجه رسید که وضعیت تبعیض‌آمیز میان مسلمانان در شمال و مسیحیان در جنوب نه‌تنها در حال حاضر به‌وضوح قابل‌رؤیت است بلکه با رجوع به آمارهای قدیمی‌تر و نزدیک‌تر به استعمار بریتانیا این وضعیت به میزان بیشتری نشان‌دهنده تفاوت قابل‌توجه در شاخص‌های رفاه اجتماعی میان مسلمانان و مسیحیان است. ایالت‌های شمالی در شاخص‌هایی همچون دسترسی به امکانات اولیه همچون آب آشامیدنی، برق، امکانات آموزشی کودکان، بی‌سوادی به میزان زیادی با مناطق جنوبی اختلاف دارد.

۳) شکاف اجتماعی در اثر تجارت برده در زمان استعمار

در مورد تجارت برده و اثرات آن بر آفریقا خیلی چیزها مبهم باقی‌مانده است، اما تصویر عمومی و حالت تخریبی آن روشن است. یک از مبهمات اساسی آن است که چه تعداد از آفریقایی‌ها به بردگی کشانده شدند؟ مدت‌ها روی این مطلب عده‌ای اندیشیده‌اند و تعداد آن

1. Frustration-aggression theory

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

را از چند میلیون‌تا صد میلیون تخمین زده‌اند (والتر رادنی, ۱۳۸۲, ص. ۱۲). طبق نوشته جیمز والوین فقط حدوداً ۱۲ میلیون نفر برده آفریقایی به قاره آمریکا صادر شدند که ۱۰ الی ۱۲ درصدشان در مسیر مردند و حدود ۹.٦ الی ۱۰.۸ میلیون نفر از آن‌ها در سواحل آمریکا پیاده شدند. پاتریک مانینگ این آمار را بیشتر و بردگان صادرشده به آمریکا را ۱۸ میلیون می‌داند. این دوران مهمی در تکوین تمدن جدید غرب است زیرا تمامی سده هیجدهم و دهه نخستین سده نوزدهم را در برمی‌گیرد و تا آستانه انقلاب صنعتی امتداد دارد (شهبازی, ۱۳۷۷: ۲۳۱). برای آفریقا از دست دادن نیروی انسانی عظیم حالتی بسیار بحرانی بود و بردگان از مردان وزنان جوان و کاملاً سالم بودند. خریداران برده قربانیان خود را از بین سنین ۱۵ تا ۳۵ سال انتخاب می‌کردند و معمولاً حدود بیست‌سالگی را ترجیح می‌داد ، و نسبت جنس‌ها دو مرد، یک زن بود (رادنی, ۱۳۸۲: ۱۳). فقدان اطلاع کافی درباره جمعیت آفریقا در قرن ۱۵ هرگونه بررسی و ارزیابی علمی و نتایج خروج جمعیت از آفریقا را مشکل می‌سازد. اما جمعیت قاره آفریقا در طول قرن‌ها تجارت برده افزایش نیافت در حال که در سایر نقاط جهان افزایش جمعیت به عیان دیده می‌شود. ارائه رقم کل اتلاف جمعیت در ضمن دوره تجارت برده از تمام نواحی آفریقا به تمام نقاط دنیا در طی چند قرن تجارت برده برای کسی امکان‌پذیر نیست. باآنکه از قرن ۱۵ به بعد در هر قاره به‌طور مداوم افزایش جمعیت داشته‌ایم این مطلب در مورد آفریقا صادق نبوده است. اروپائیان تخمین خود از جمعیت جهان را در هر قاره طی سال‌ها ارائه کرده‌اند.

قاره	سال ۱٦۵۰	سال ۱۷۵۰	سال ۱۸۵۰	سال ۱۹۰۰
آفریقا	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۲۰
اروپا	۱۰۳	۱٤٤	۲۷٤	٤۲۳
آسیا	۲۵۷	٤۳۷	٦۵٦	۸۵۷

جدول شماره ۱: جمعیت تخمینی جهان طی سده‌های شانزدهم تا بیستم (رادنی، ۱۳۸۲)

این پژوهش بیانگر یک توافق کلی درباره جمعیت قاره آفریقاست که نشانگر رکودی غیرعادی است. علتی جز تجارت برده برای آن نمی‌توان شناخت. تأکید اصلی روی اتلاف جمعیت است که مسئله توسعه اجتماعی–اقتصادی سخت بدان مربوط است. رشد جمعیت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

ازنظر تأمین نیروی انسانی، بازار و فشار لازم برای پیشرفت بیشتر، نقش بزرگی در توسعه اروپا بازی کرد (رادنی، ۱۳۸۲: ۱۷). شرط اصلی برای توسعه اقتصاد یک کشور استفاده حداکثر از منابع طبیعی و نیروی انسانی است. معمول این کار نیازمند شرایط صلح‌آمیز است، اما نیروی انسانی جامعه آفریقایی به‌جای آنکه برای خلق ثروت از طبیعت به کار رود با کشتی‌های اروپایی به خارج فرستاده می‌شد. درواقع استعمار و تجارت برده آثار و پیامدهای سهمگین انسانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیط برای آفریقا داشت و استعمار به‌عنوان مسبب اصلی این اقدامات عاملی اساسی برای کاهش توانمندی‌های ارزشی جامعه آفریقا و خصوصاً نیجریه قلمداد می‌شود.

٤) استعمار و رکود تکنولوژی و انحراف اقتصاد

ممکن است سؤالی در ذهن به وجود بیاید که اساساً حضور کشورهای اروپایی در افریقا نه‌تنها به ضرر این کشورها نبوده بلکه عامل توسعه این کشورها هم بوده یا با فرض عدم نقش این کشورها در توسعه نمی‌توان حضور این کشورها را عاملی برای عدم توسعه‌یافتگی این کشورها و فقر گسترده آن‌ها دانست در پاسخ به این سؤالات دلایل اصلی نقش استعمار در فقر گسترده و نا به سامانی اقتصادی کشورهای استعمار زده آورده شده است.

در قرن ۱۵ میلادی، به‌طورکلی فنّاوری اروپا بهتر از قسمت‌های دیگر جهان نبود. البته در مواردی چون کشتیرانی و تااندازه‌ای تفنگ‌سازی اروپایی‌ها برتری مطلق داشتند. تجارت اروپا با آفریقا و آسیا برای مصرف کالای آن‌ها بود و نشان می‌داد که نظام تولیدی اروپا برتری مطلق ندارد، اروپایی‌ها از چند قسمت آفریقای غربی پارچه می‌خریدند تا در نقاط دیگر بفروشند، مراکش، موریتانی، سنگال، گامبیا، ساحل‌عاج و غیره همه صادرکنندگان کالا به قسمت‌های دیگر آفریقا به واسطگی اروپا بودند. آفریقا در دوره شروع استعمار تقریباً به‌طور کامل مواد خام ازجمله پنبه صادر و پارچه کتانی ساخته‌شده وارد می‌نمود. این ترقی معکوس آفریقا به پیشرفت فنّاوری اروپا و رکود فنّاوری آفریقا بستگی داشت که به دلیل تجارت با اروپا پیش آمد. اروپا از تماس‌های تجاری خارجی استفاده فنّاورانه کرد درحالی‌که آفریقا نتوانست استفاده‌ای ببرد و عملاً بازنده شد. پس‌ازآنکه سودهای حاصل از تجارت خارجی دو بار در سرمایه‌گذاری‌ها بکار گرفته شد اختراعات و ابداعات حیاتی در اواخر قرن ۱۸ در انگلستان ظاهر گردید، درواقع ماشین‌آلات جدید با یک سرمایه‌گذاری به وجود آمد که سرمایه اولیه آن

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

از تجارت و بردگی جمع شده بود (رادنی، ۱۳۸۲: ۲۶،۲۷).

در پاسخ به عده‌ای که معتقدند پیشرفت فنّاورانه اروپا ریشه در ابداع و خلاقیت جوانان اروپایی داشته است و این مربوط به استعمار نیست والتر رادنی معتقد است وقتی یک فرد ناچار است مدرسه را پس از خواندن در کلاس ابتدایی ترک کند، هیچ‌گونه بازتابی از او در دست نیست که نشان دهد ازنظر امکانات علمی و عقلی پایین‌تر از کسی است که فرصت و موقعیت ادامه تحصیل تا دانشگاه را داشته است. آنچه در قرون اولیه تجارت بین‌الملل دامن‌گیر آفریقا شد، فقدان کامل فرصت توسعه بود و این از مهم‌ترین موارد بود. درواقع روح تحقیق علمی علت پیشرفت فنّاوری است که ارتباط نزدیک با فرآیند تولید دارد، یعنی منجر به اختراع و نوآوری می‌گردد؛ ضمن اینکه در دوره توسعه کاپیتالیسم در اروپا موارد مثال زیادی دراین‌باره می‌توان یافت به‌عنوان‌مثال در سال ۱۹۵۸ در جمهوری دموکراتیک آلمان جوانان سازمانی به نام مخترعین جوان تشکیل دادند که خواهان خلاقیت هوشمندانه جوانان سوسیالیست بود. به‌گونه‌ای که ظرف مدت ۱۰ سال بیش از دو هزار اختراع به آن سازمان ارائه گردید. از قرن ۱۵ به بعد ارتباط بین آفریقا و اروپا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم قیدی برای دربند کشیدن روح خلاقیت و نوآوری در آفریقا بود. تجارت برده به‌وسیله اروپایی‌ها قید مستقیمی برای انتقال میلیون‌ها جوان بود که نمایندگان انسانیت بودند که ابداع و اختراع به‌وسیله آن‌ها روی می‌دهد. آن‌هایی هم که در آفریقا ماندند، چنان از شکارچیان برده صدمه دیدند که بیشتر نگران آزادی خود بودند تا به فکر اصلاح و بهبود کار و تولید.

کیفیت تجارت آفریقا با اروپا با تقاضای آفریقایی‌ها جهت فنّاوری مناسب برای توسعه، سازگاری نداشت و هر تقاضایی که می‌شد یا بدان توجه نمی‌شد یا اصلاً از طرف کاپیتالیستها در می‌گردید. اصولاً به نفع کاپیتالیسم نبود که آفریقا توسعه یابد به‌عنوان‌مثال اروپایی‌ها از ساختن سد بر روی رودخانه ولتا در غنا در زمان حکومت قوام نکرومه امتناع ورزیدند تا اینکه فهمیدند چکسلواکی بدان کار می‌پردازد، آن‌ها از ساختن سد اسوان در مصر خودداری کردند تا شوروی بدین کار دست یازید. همین‌طور موانع بی‌شماری درراه ساختن راه‌آهن تانزانیا به زامبیا به وجود آوردند تا اینکه دولت سوسیالیستی چین دست به این اقدام زد[1]. با قرار دادن

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به کتاب والتر رادنی اروپا و عقب ماندگی آفریقا که موارد متعدد از درخواست‌های پادشاهان کشورهای آفریقایی از کشورهای اروپایی برای ورود تکنولوژی و درخواست کوک و مساعدت برای بهبود صنعت این کشورها نموده‌اند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

تمام موارد در برابر دیدگاه تاریخی درمی‌یابیم که کاپیتالیسم همیشه مردم را از تحول فنّاورانه در آفریقا دلسرد و راه دسترسی فنّاورانه را سد نمود.

۵) نارضایتی‌های سیاسی و نسبت آن با استعمار

کودتاهای پی‌درپی و درگیری‌های مستمر بین اقوام و مذاهب ناشی از نارضایتی آن‌ها از دولت‌ها و وضعیت توزیع نابرابر قدرت هست. تاکنون به‌گونه‌ای که نیجریه از زمان استقلال در سال ۱۹۵۸ تابه‌حال ١٤ رئیس دولت داشته که بسیاری از این قدرت توسط کودتای نظامی صورت گرفته است (۷ مورد)، درحالی‌که تنها پنج نفر آن‌ها از طریق رأی‌گیری انتخاب‌شده‌اند (Forest, 2012: 11). مدت کوتاهی پس از استقلال نیجریه ارتش مداخله در این سیاست را آغاز کرده و در طول سه دهه–به استثنای دوره کوتاه چهارساله (۱۹۷۹–۱۹۸۳)، کشور توسط ارتش اداره شده است. نیجریه کودتای نظامی در سال‌های ١٩٦٦ (دو بار)، ۱۹۷۵، ١٩٧٦، ۱۹۸۳، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۳ را تجربه کرده و همچنین یک جنگ خونین داخلی ١٩٦٧–١٩٧٠ را شاهد بوده است که بیش از دو میلیون تلفات داشته است. بی‌اعتمادی گسترده در میان شهروندان نیجریه نسبت به دولت خود، به‌ویژه به دلیل فساد و تاریخ طولانی کودتاهای نظامی و سوءاستفاده از قدرت است (Forest, 2012: 12). درواقع این نارضایتی‌ها دلایلی همچون فساد در میان نخبگان سیاسی و اقتصادی، نابرابری اقتصادی، موانع فرصت‌های آموزشی و اجتماعی، فقر انرژی، تخریب محیط‌زیست، ناامنی و بی‌عدالتی دارد.

مسلمانان شمال نیجریه عامل بی‌ثباتی و وضعیت نا به سامان خود را استعمار بریتانیا می‌دانند. چراکه پس از ۱۹۰۳ بود که استعمار به حکومت اسلامی عثمان دان فدیو در شمال نیجریه پایان بخشید و سرآغاز سلطه رژیم‌های نظامی و نظام سکولار دموکراتیک فعلی شده است؛ بنابراین تعجب‌آور نیست که شورش‌های بو کو حرام در دوران ریاست جمهوری گودلاک جاناتان، یک رئیس‌جمهور مسیحی است افزایش قابل‌توجه داشت. (ANTWI-BOATENG, 2017: 6).

شیوه جذب نیرو، یکی از نقاط قوت بوکوحرام به شمار می‌آید. بوکوحرام درجه نخست نیروهای خود را از میان کوچ کنندگان به شهرها که وضع اقتصادی بدی دارند برمی‌گزینند. از دیگر افرادی که بیشتر جذب این گروه می‌شوند، دانش‌آموزان و دانشجویانی هستند که دست از تحصیل کشیده‌اند و به علّت پیدا نکردن کار، پذیرای پیام‌های جذاب محمد یوسف

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

می‌شوند. طبیعی است که در جامعه‌ای که بی‌عدالتی و نابرابری در آن حاکم شده و در فقر و محرومیت و غوطه‌ور شده است به‌گونه‌ای که نصف بیشتر جمعیت ۱۷۰ میلیونی این کشور مجبور به گذران زندگی باروزی یک دلار هستند، افراد به‌راحتی در این گروه‌ها جذب می‌شوند و بازتاب این وضع را در خشونت‌های بی‌رحمانه بو کو حرام می‌توان یافت.ایالت‌های شمالی به‌مراتب دچار فقر و محرومیت بیشتری هستند و میزان بیکاری، بی‌سوادی، فقر، سوءتغذیه و مرگ نوزادان بیشتر از جنوب است. به‌عنوان‌مثال ایالت شمالی جیگاوا با ۸۸,۵ درصد و ایالت سوکوتو با ۸٦ درصد زیرخط فقر مطلق بیشترین آمار را فقر رادارند، طبیعتاً در مکان‌هایی که شرایط زندگی سخت‌تر و در وضعیت بغرنج‌تر می‌باشد سرخوردگی و نارضایتی بیشتر است. این تفاوت در سطح فقر و بیکاری و بی‌سوادی بین مسلمانان مسیحیان سبب شده که در عین ثابت ماندن انتظارات ارزشی جامعه مسلمان، توانایی‌های ارزشی آن‌ها رو به کاهش برود و این همان مدل محرومیت نسبی نزولی است که بدان اشاره شد.

٦) فساد دولتمردان و تأثیر آن در کاهش توانایی‌های ارزشی جامعه

میزان بالای بیکاری، بی‌سوادی، بی‌ثباتی، فقر گسترده و درعین‌حال بی‌کفایتی دولتمردان و فساد گسترده و اقتدارگرایی دولت موجب افزایش نارضایتی‌ها شده است. ازآنجاکه نیجریه همواره به‌عنوان یکی از متحدین کلیدی ایالات‌متحده آمریکا مطرح بوده است این عامل سببی شده تا گروه بو کو حرام در مواضع خود غرب و آمریکا را مورد هدف قرارداد، در نوار صوتی منتسب به ابوبکر شکائو در ژانویه ۲۰۱۲ او آمریکا را متهم به جنگ با اسلام کرده است (Forest, 2012: 5). به‌عنوان‌مثال در ۵ سال حکومت امنیتی و نظامی ژنرال سانی آپاچا در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ که مشهور به اقتدارگرایی بود مجموعه‌ای از فسادها در صنعت نفت نیجریه و میلیاردها دلار غارت شد. این در حالی است که صنعت نفت نیجریه مهم‌ترین صنعت این کشور بوده و ۸۰ درصد از درآمدهای دولت را تأمین می‌کند. در این زمینه دولت رشوه‌های زیادی از شرکت‌های نفتی خارجی به جهت جستجو و اکتشاف میادین نفتی، ساخت سکوهای حفاری‌ها و خطوط لوله نفت در دلتا و رودخانه نیجر دریافت کرد. طبق گزارش شفافیت بین‌الملل، وی ۵ میلیارد دلار از درآمدهای دولت نیجریه را حیف‌ومیل کرده است.

متأسفانه در نیجریه ساده‌ترین و تنها راه برای کسب درآمد، موقعیت‌های کاری در دولت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

است. حقوق و دستمزد یک استاد دانشگاه ٤٠٠٠٠٠ نایرا است (تقریباً ۲۵۰۰ دلار در هرماه) درحالی‌که حقوق و دستمزد یک رئیس دولت محلی ۱,۲ میلیون نایرا (بیش از ۷۵۰۰ دلار در هرماه) می‌باشد. نتیجه این وضعیت انگیزه آشکار پزشکان، دانشمندان و دانشگاهیان به ترک حرفه خود و رجوع به سیاست فقط به خاطر پول است (Forest, 2012: 32). مردم عادی درحالی‌که کشور خود را بزرگ‌ترین اقتصاد غرب آفریقا به جهت صادرات نفت می‌بینند ولی روزبه‌روز شرایط و وضعیت رفاهی بدتری را شاهد هستند به‌گونه‌ای که آمار فقر، بیکاری، نابرابری، فساد رو به افزایش است. سیاستمداران نیجریه همواره در جنگی سرمستانه به دنبال غارت پول نفت بوده‌اند. نفت سالانه ٤٠ میلیارد دلار درآمد برای دولت داشته است که سه‌چهارم از بودجه دولت خرج مصارف عادی، ازجمله حقوق دولتمردان می‌شود. نمایندگان مجلس سالانه ۲ میلیون دلار حقوق دریافت می‌کنند، فرمانداران ایالتی نیز برش بزرگ از کیک نفت طلب می‌کنند. نتیجه آن‌که بودجه بسیار کمی در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود (KANO & ONITSHA, 2011).

در نیجریه فساد بخشی از دولت نیست بلکه فساد هدف از دولت است. ۲۸ سال از ۳۸ سالی که نیجریه پس از استعمار بریتانیا به استقلال رسید، توسط نظامی‌ها اداره شده است و در این مدت فساد به‌طور پیوسته افزایش‌یافته است. در دو سال گذشته، موسسه شفافیت بین‌المللی ، سازمان مستقر در برلین که نظارت بر فساد دولت‌ها را بر عهده دارد نیجریه را به‌عنوان فاسدترین دولت در جهان به جهت انجام کسب‌وکار رتبه‌بندی کرده است. این شرایط سبب بدبینی مردم نسبت به‌نظام فدرالی مبتنی بر دموکراسی شده است و دشمنی فوق‌العاده‌ای در میان مردم عادی ایجاد کرده است. مقامات دولتی خود را پاسخگو به شرکت‌های نفتی خارجی و نخبگان ثروتمند می‌دانند نه به عموم مردم، بسیاری از مردم نیجریه از ایجاد تغییرات مثبت احساس ناتوانی می‌کنند و حس امیدی به آینده ندارند (Forest, 2012: 33).

در کنار این سطح از فساد گسترده، نرخ بالای بیکاری و ارائه نابرابر خدمات اساسی (مانند آب آشامیدنی تمیز) از دیگر مشکلات حیاتی در نیجریه است. تخریب محیط‌زیست و غفلت از مسائل زیست‌محیطی یکی دیگر از منابع خشم از دولت است. استخراج نفت از دلتای نیجر، صنعت را نابود کرده است و زمین‌های کشاورزی بارور و ماهیگیری در آب‌های نیجر را از بین برده است (Forest, 2012: 36). به دلیل آنکه ساختارهای دولتی و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

نهادها محصول حاکمیت استعمار است و شیوه اداره دولت برگرفته از قوانین انگلیس است مسلمان نقش امپریالیسم و غرب در فساد دولتمردان و حاکمیت فاسد خود را جدی می‌دانند. مجموعه‌ای از نارضایتی‌ها و مشکلات عدیده درزمینه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سبب شده نیجریه به سرزمینی مساعد برای اقدامات خشونت‌طلبان و تروریست‌ها تبدیل شود. چراکه این شرایط نا به سامان فرصتی را محیا کرده تا تروریست‌ها و سلفی‌ها بهتر بتوانند به تبلیغ تفکراتشان بپردازند و عامل وضعیت اسفبار مردم را دولت دانسته و آن را اهداف حملات تروریستی خود قرار دهند.

۷) استعمار و اختلافات و درگیری‌های قومی قبیله‌ای

نیجریه یک جامعه چند نژادی با باورها و ادیان گوناگون است. در میان مردم شناسان و جامعه شناسان در مورد تعداد دقیق این گروه‌ها در نیجریه اتفاق‌نظر وجود ندارد. البته اغلب نیجریه شناسان تقریباً به رقم ۲۵۰ گروه اتفاق‌نظر دارند (شکیبا، ۱۳۸۸:۳۰). نگاهی مختصر به چهار قبیله بزرگ و باسابقه نیجریه‌ای موضوع را نمایان‌تر خواهد نمود که چگونه قدرت استعماری انگلیس با برانگیختن حسادت‌های داخلی و قبیله مانع ستیز ملت نیجریه برای مقابله با خود می‌شدند و فن کهنه تفرقه انداختن و حکومت کردن را بکار می‌گرفتند. درواقع گر دریکی از فرضیات خود اذعان کرده که نرخ افزایش انتظارات ارزشی، قویاً تحت تأثیر سریع‌ترین نرخ دستاورد ارزشی گروهی با منزلت اجتماعی– اقتصادی مشابه قرار دارد که نشان می‌دهد تفاوت‌های منطقه‌ای از حیث توسعه اقتصادی درون ملت‌ها یا در بین آن‌ها، به خشونت سیاسی مردمی که در مناطق کمتر برخوردار زندگی می‌کنند می‌انجامد (گر، ۱۳۸۸: ۱۶۷).

قوم هوسا در شمال نیجریه و شمال غربی ساکن بوده و در حدود ۳۰ تا ۳۵ میلیون نفر جمعیت بر اساس آمار سال ۲۰۰۳ دارند. بیشتر افراد این قبیله مسلمان می‌باشند، تعصب خاص آن‌ها نسبت به اسلام باعث گشته که این قبیله نقش فعالی در تبلیغات اسلام در غرب آفریقا داشته باشد (شکیبا، ۱۳۸۸: ۳۱). قبیله فولانی یکی از قبایل مهم و مشهور نیجریه در غرب آفریقا است. ایالت‌های شمالی نیجریه وطن اولیه این قبیله است و در حال حاضر افراد این قبیله علاوه بر نیجریه در سنگال، چاد، کامرون، نیجر و بورکینافاسو پراکنده‌اند. اکثر افراد این قبیله مسلمان‌اند و شیخ عثمان دان فودیو یکی از علمای فولانی بود. قبیله یوروبا سومین قبیله بزرگ نیجریه محسوب می‌شود و مردم آن عموماً در بخش‌های لاگوس و

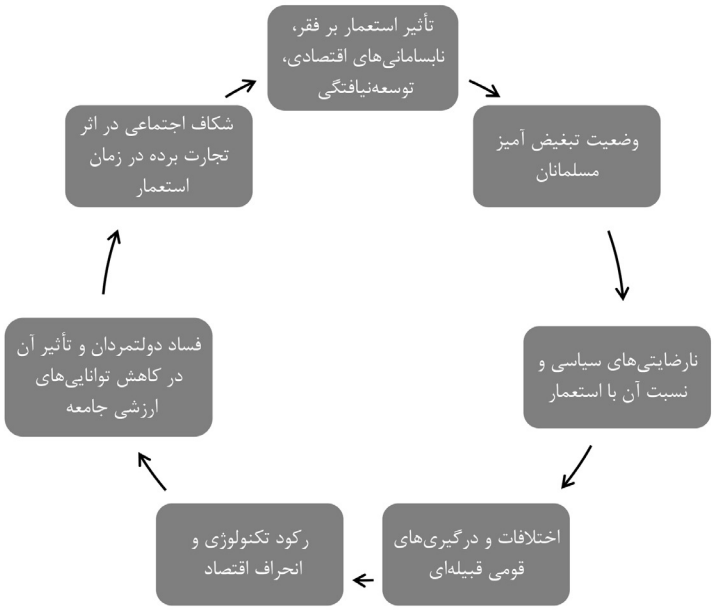
[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

کوارا زندگی می‌کنند. آن‌ها درزمینه های اقتصاد و سیاست از جایگاه خوبی بهره‌مند هستند، آن‌ها در اثر مراوده و همکاری با اروپاییان به دین مسیحیت تمایل پیدا کردند (شکیبا، ۱۳۸۸: ۳۶). قبیله‌ایبو بانام ایبو یا ایگبو یکی از چهار قبایل بزرگ نیجریه به شمار می‌رود که مردم آن بین رودخانه‌های کامرون و نیجریه در غرب این کشور زندگی می‌کنند و شماری نیز در سایر ایالات پراکنده‌اند. این قبیله به دلیل تماس با اروپاییان از آموزش بیشتری برخوردار بوده‌اند و چون رفتار خصمانه‌ای با استعمارگران نداشته از فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتری برخوردار گشتند. آن‌ها با توجه به‌پای بند نبودن به آداب و سنن مذهبی با استفاده از فرصت‌های مناسب در کشور، پست‌های کلیدی و حساس کشور را به دست آورده‌اند. اکثر تحصیل‌کرده‌ها و باسوادان و متفکران به این قبیله تعلق دارند. جمعیت این گروه حدود ۳۲ میلیون نفر است که بیشتر مسیحی بوده و مناطق جنوبی سکونت دارند (شکیبا، ۱۳۸۸: ۳٤).

جنگ و منازعه در کشورهای آفریقا ریشه در استعمار دارد، ایجاد مرزهای مصنوعی، تقسیمات قومی و نژادی از عوامل ریشه‌ای این بحران در آفریقا است (CHERU, 2002: 2). سیاست‌های نادرست در زمان استعمار بریتانیا نسبت به مسائل قومی و قبیله‌ای اتخاذشده است. پژوهشگران اذعان کرده‌اند که تقویت توزیع دموگرافیک اقوام یکی از سیاست‌ها استعمار برای سه پاره کردن نیجریه بوده است. هوسا و فولانی در شمال، ایبو در شرق و یوگبا در غرب. سیاست‌های آموزشی نادرست استعمار و سطوح مختلف پذیرش قومی به آموزش و پرورش غربی، فاصله زیادی در توسعه بین شمال و مناطق جنوبی نیجریه از دهه ۱۹۰۰ به بعد ایجاد کرد. درواقع مسلمانان که در قبیله‌های هوسا و فولانی در شمال نیجریه ساکن بودند نسبت به آموزش‌های غربی و توسعه و تحول به‌مراتب از مسیحیان جنوب عقب افتادند. تعداد مؤسسات آموزشی و تعداد دانشجویان در مناطق شمالی به‌مراتب وضعیت بدتری نسبت به جنوب داشته است، آمارها نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه مناطق جنوبی مسیحی تنها ٤۷ درصد جمعیت را داشته‌اند اما ۸۰ درصد جوانان به دانشگاه رفته‌اند. این نابرابری آموزشی که از اوایل ۱۹۰۰ آغازشده است سرانجام آن تفاوت ظرفیت‌های مناطق در متقاضیان کارهای دولتی و استخدام‌های ادارات بوده است (Mustapha, 2005: 6). بنابراین نابرابری آموزشی و حرفه‌ای منجر به نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و نهایتاً اختلافی جدی در میزان توسعه‌یافتگی مسلمانان و مسیحیان شده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

بنابراین، نتایج افتراق آمیز پروژه‌های دولت استعماری موردعلاقه بریتانیا سبب عدم تعادل در میان مناطق مختلف از جهات اقتصادی و اجتماعی شد و همین امر فاکتور مهمی در تحریک آگاهی‌ها برای هویت‌سازی تبدیل شد، درواقع این سیاست‌ها در راستای همان سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» بود (Okpanachi, 2012: 4). ریشه عوامل و زمینه‌ها و انگیزه‌های خصومت شدید قومی و قبیله‌ای که پیوندی با ادیان و مناطق داشته در دوران استعمار و سیاست‌های بریتانیا دیده می‌شود (Admoyega, 1981; Okpanachi, 2012; Adefemi, 2003; Machava, 2008).



جدول شماره ۲ : نقش استعمار در ایجاد محرومیت نسبی (منبع: نگارندگان)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

نتیجه‌گیری

بررسی شکل‌گیری گروه تروریستی بوکوحرام که بر محور امارت و با تکیه‌بر عضوگیری از مردم بومی نیجریه بنانهاده شده است، گواه آن است که بوکوحرام برآمده از نارضایتی نسبی است که در اثر سلطه بیش از دو قرن استعمار انباشته‌شده و به‌صورت سازمان‌دهی پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز بروز یافته است. این محرومیت هم از نظام استعماری قدیم شامل نهادهای اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ایدئولوژی خاص خود و هم نظام استعمار نو که قلمرو اصلی فعالیت آن درزمینه ی اقتصادی است نشات گرفته است. نظام تبعیض نژادی ناشی از استعمار در کلیه شئون زندگی که استثمار اقتصادی و به‌تبع آن نارضایتی (محرومیت نسبی) در اقوام مسلمان ساکن شمال نیجریه را به همراه داشته است منجر به نتیجه‌ای اجتماعی به نام بو کو حرام شده است. متغیرهایی چون فقر گسترده، وضعیت اقتصادی نا به سامان، وضعیت رفاهی تبعیض‌آمیز بین مسلمانان ساکن ایالت‌های شمالی و مسیحیان ساکن ایالت‌های جنوبی، اختلافات و درگیری‌های قومی قبیله‌ای، شکست جنبش‌های اسلامی سابق آن‌هم توسط دولت‌های سرمایه‌دار استعمارگر، رفتار تبعیض‌آمیز دولت سکولار با مسلمانان، غیرعادلانه بودن شرایط سیاسی اجتماعی اقتصادی حاکم، عدم مشارکت فعال و چشمگیر در قدرت سیاسی و مناصب اجرایی حکومت، هویت زدایی و بحران هویت در میان مسلمانان جز عواملی است که سبب محرومیت نسبی مسلمانان و کاهش توانایی‌های ارزشی آن‌ها و به‌تبع آن شکل‌گیری بوکوحرام شده است. به نظر می‌رسد مجموعه عوامل فوق که نقش استعمار در آن‌ها مشهود بوده است انگیزاننده و مسبب اصلی بروز خشونت از جانب گروه‌های افراطی همچون بوکوحرام محسوب می‌گردد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

منابع

ایوانف، یوری. (۱۳۶۱). *استثمار آفریقا در دوران استعمار*. تهران: استقلال.

گر، تد رابرت. (۱۳۸۸). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟* تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

دخانیاتی، ع. (۱۳۵۸). *تاریخ آفریقا*. تهران: تاریخ قاره آفریقا.

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. (۱۳۸۸). *جمهوری فدرال نیجریه*. تهران: انتشارات وزارت خارجه.

سام دلیری، کاظم. (۱۳۸۲). سنجش محرومیت نسبی در نظریه تدرابرت گر. *فصلنامه مطالعات راهبردی*.

شکیبا، محمدرضا. (۱۳۸۸). *نیجریه سرزمین و مردم*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

عباس زاده فتح‌آبادی، مهدی. (۱۳۹۲). بوکوحرام: فرقه اسلام‌گرای افراطی در نیجریه. *مجله اقتصادی اجتماعی*، ۱.

فکوهی، ناصر. (۱۳۷۸). *خشونت سیاسی: نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها*. تهران: نشر قطره.

کتاب آفریقا. (۱۳۷۳). تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

گیلانی، نجیب. (۱۳۷۰). *قهرمانان شمال:داستانی از مبارزات مردم نیجریه*. تهران.

نصیری، معصومه. (۱۳۹۰). *جمهوری فدرال نیجریه: تاریخ، فرهنگ، سیاست و اقتصاد*. تهران: علمی و فرهنگی.

رادنی، والتر. (۱۳۸۲). *اروپا و عقب‌ماندگی آفریقا*. تهران: رادنی،والتر.

برنارد کوهن، سانول. (۱۳۸۸). *ژئوپلیتیک نظام جهانی*. (ع. کاردان، Trans.) تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

شهریاری، ابوالقاسم. (۱۳۹۲). بررسی بسترهای شکل‌گیری و رشد رادیکالیسم اسلامی در نیجریه: *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*.

شهبازی، عبدالله. (۱۳۷۷). *زرسالاران یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

Ikenna, Alumona. (2009). Understanding the crisis of development in Africa. Department of Political Science.

Marchal , Roland. (2012). Boko Haram and the resilience of militant Islam in northern Nigeria. Norwegian peacebuilding resource ceter.

Opejobi,Seun.(2016,September5).http://dailypost.ng.Retrievedfrom

http://dailypost.ng/2016/09/05/nigeria-one-poorest-countries-world-80m-living-poverty-line-un-report/

Østebø, Terje. (2012). Islamic Militancy in Africa. AFRICA CENTER FOR STRATEGIC STUDIES, 2.

Adefemi, Isumonah. (2003). Migration, land tenure, citizenship and communal conflicts in

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

Africa. Nationalism and ethnic politics.

Admoyega, Adewale. (1981). Why we stuck: The Story of the first Nigerian Coup.

ANTWI-BOATENG, Osman. (2017). Boko Haram and the Islamic State: A Tale of Two Terrors. United Arab Emirates University.

Burchard, Stephanie. (2014). Boko Haram and The 2015 Nigerian Election. AFRICA WATCH.

CHERU, Fantu. (2002). The reconstruction of socities in conflicts and prevent from lethal. zed book.

CHINWE JULIE, A. (2012). INEQUALITY AND DISCRIMINATION IN NIGERIA TRADITION AND RELIGION AS NEGATIVE FACTORS AFFECTING GENDER. federation of international human right musem.

(2011). Countries Compared by Economy . International Statistics at NationMaster.com. Retrieved from http://www.nationmaster.com/country-info/stats/Economy/Population-below-poverty-line

DANJIBO, N. (2012). Islamic fundamentalism and sectarian violence: The Maitasine and Boko haram crisies in Northen Nigeria. institute of african studies.university of Ibadan, 5.

Dennen, van der. (2005). Theories of Aggression: Frustration-aggression (F-A) theory. University of Groningen/UMCG research database.

Eke, Emma. (2016, September 14). ripplesnigeria. Retrieved from https://www.ripplesnigeria.com/nigerias-poverty-level-index-hits-72-2016-fitch-reports/

Forest, James. (2012). Confronting the Terrorism of Boko Haram in Nigeria. Florida: Joint Special Operations University.

Galdanchi, A. (1993). Islamic Education in Africa: Past Influence and Contemporary Challenge. Islam in Africa.

GLOBAL TERRORISM INDEX . (2016). MARYLAND: INSTITUTE FOR ECONOMIC $ PEACE.

KANO, & ONITSHA. (2011, May 26th). The Economist. Retrieved from http://www.economist.com/node/18741606

Levitzion, Nehemia. (2000). The history of Islam in Africa. usa: ohio uni press.

Machava, A. (2008). Towards a better conflict management framework: the role of national,

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

regional and.

Marchal, Roland. (2012). Boko Haram and the resilence of militand Islam in Northen Nigeria. NOREF report.

Mazrui, Ali. (2012). Nigeria: From Shari 'a Movement to Boko. Retrieved from United Nations Alliance of: www.binghamton.edu

Mustapha, Abdu Raufu. (2005). Ethnic Structure, Inequality and Governance of the Public Sector in Nigeria. university of oxford.

(2010). NIGERIA POVERTY PROFILE 2010. nigeria: National Bureau of Statistics.

Okpaga, Adagaba., & Ugwu Sam, C. (2012). ACTIVITIES OF BOKO HARAM AND INSECURITY QUESTION IN NIGERIA. Arabian Journal of Business and Management Review.

Okpanachi, Eyene. (2012). NIGERIA ETHNO-RELIGIOUS IDENTITY AND CONFLICT IN NORTHERN NIGERIA. IFRA.

Richardson, Clare. (2011). Relative Deprivation Theory in Terrorism: A Study of Higher Education and Unemployment as Predictors of Terrorism. Politics Department New York University, New York.

Rupert, James. (1998, June 9). Retrieved from Washington Post Foreign Service: http:// www.washingtonpost.com/wp-srv/inatl/longterm/nigeria/stories/corrupt060998.htm

The Associated Press. (2015). Boko Haram: Deadly Terrorism in Nigeria. The Associated Press.

The Econommist. (2014, Oct 25th). Retrieved from http://www.economist.com/news/ middle-east-and-africa/21627646-africas-lodestar-nation-has-weathered-ebola-extremist-takeover-has-exposed

Turner, Richard Brent. (2003). Islam in the African-American Experience. india: Indiana University Press.

Williams, Lizzie., & Shenley, M. (2012). Nigeria. Guildford: Bradt Travel Guides.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۴۰۱

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

دهشیری، محمدرضا؛ فیاضی، سید احمدرضا (۱۳۹۶)، «بررسی نقش استعمار در شکل‌گیری گروه بوکوحرام از منظر نظریه محرومیت نسبی تدرابرت‌گر»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۷، ش٤، زمستان ۹۶، صص ۳۱-۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]